

گفتگوی اخبار روز با شیدان و وثیق

اخبار روز: در این گفتگو، شیدان و وثیق در مورد آخرین تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و نقش مردم در فرآیند تغییرات اجتماعی صحبت می‌کنند. شیدان بر اهمیت مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌ها تأکید دارد و می‌گوید که نظام فعلی ایران به دلیل عدم پاسخگویی به نیازهای مردم، در معرض بحران است. وثیق نیز بر لزوم اصلاحات اساسی در ساختار حکومتی و اقتصادی تأکید دارد و می‌گوید که بدون این تغییرات، آینده‌ای روشن برای ایران وجود ندارد.

شیدان و وثیق همچنین در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و نقش زنان در جنبش‌های اجتماعی صحبت می‌کنند. شیدان می‌گوید که حقوق بشر در ایران به شدت نقض می‌شود و زنان نقش مهمی در مبارزه با این نقضات دارند. وثیق نیز بر لزوم آزادی بیان و حقوق اساسی تأکید دارد و می‌گوید که بدون این آزادی‌ها، هیچ توسعه‌ای برای ایران ممکن نیست.

اخبار روز: پنجمین گردهم‌آیی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران ماه آینده در شهر هانوفر در آلمان برگزار می‌شود. شعار اساسی این گردهم‌آیی چیست و قرار است به چه مسایلی رسیدگی کند؟

شیدان و وثیق: در گستره‌ی جمهوریخواهان ایران، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران (از این پس جدل) روندی را تشکیل می‌دهد که هشت سال پیش، در سپتامبر ۲۰۰۵، در نفی جمهوری اسلامی، سلطنت و بیراهه‌ی اصلاحات در چهارچوب نظام، برای فرارویی جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین در ایران، پایه‌گذاری می‌شود. این حرکت، امروز، با گذر از فراز و نشیب‌هایی، در آستانه‌ی پنجمین گردهم‌آیی سراسری خود در روزهای ۱۷، ۱۸ و ۱۹ ماه می در شهر هانوفر آلمان قرار دارد.

در این گردهم‌آیی، چهار سند به رایزنی همراهان برای تصویب گذارده می‌شوند. طرح‌های پیشنهادی این اسناد از هم اکنون در [تارنمای ندای آزادی](#) انتشار یافته‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه‌ی این اسناد و اظهار نظر در باره‌ی آن‌ها به این سایت رجوع کنند. اسناد

عبارتند از: ۱- بیانیه‌ی سیاسی در باره‌ی اوضاع جهان و ایران و مواضع جدل پیرامون مهم‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی ایران. ۲- سندی در مورد همکاری و هم‌گرایی جمهوری‌خواهان در خارج از کشور. ۳- منشور سیاسی که سند پایه‌ای جدل در سال ۲۰۰۵ را امروزی و تکمیل می‌کند و سرانجام ۴- بر مبنای اساسنامه‌ی قبلی جدل، طرح اساسنامه‌ی جدید با توجه به مسائل و مشکلات در روابط درونی و تشکیلاتی، به‌ویژه در زمینه‌ی تعیین نقش، وظایف و اختیارات گروه‌های کاری.

در مورد «شعار سیاسی» این گردهم‌آیی، همان‌طور که در طرح بیانیه‌ی سیاسی پیشنهادی به پنجمین گردهم‌آیی سراسری آمده است، به نظر ما، در شرایط کنونی، اپوزیسیون دموکرات، جمهوری‌خواه و طرفدار جدایی دولت و دین در ایران باید هم‌چنان و بیش از گذشته بر بنیادها، اصول و اهداف مبارزه‌ی خود ایستادگی و پافشاری کند. این‌ها عبارتند از: مبارزه برای آزادی‌های مدنی در ایران؛ مبارزه برای رشد و گسترش جنبش‌های اجتماعی- سیاسی و پشتیبانی از آن‌ها؛ مبارزه برای دفاع از حقوق بشر و میثاق‌های دموکراتیک بین‌المللی؛ ترویج اصول دموکراسی و توضیح مضمون بدیل جمهوری مورد نظر که مبتنی بر جمهوریت، دموکراسی، لائیسیت، عدالت اجتماعی، برابری و استقلال است.

شعار اصلی راه کاری ما در جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک، همواره مبارزه برای نیل به جمهوری و دموکراسی در ایران بر پایه‌ی جدایی دولت و دین از طریق تشکیل مجلس موسسان مردم است. به باور ما روند رشد و اعتلای مبارزات مردم ناگزیر راه حل تشکیل موسسان مردم از طریق انتخاباتی آزاد، دموکراتیک و برابری برای تدوین قانون اساسی دموکراتیک جدید به جای قانون اساسی اسلامی کنونی را مطرح خواهد کرد. فرایند تبلیغ و ترویج این راه‌کار در عین حال کمک به رشد آگاهی اجتماعی نسبت به ضرورت تغییرات اساسی ساختاری در ایران و مضمون آن چه که باید جایگزین نظام کنونی شود خواهد کرد.

اخبار روز: وضعیت جنبش، چشم‌انداز، ناکامی‌ها و دستاوردهای آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا روند جدایی‌ها ادامه دارد یا نشانه‌هایی از گسترش صفوف به چشم می‌خورند؟

شیدان وثیق: در پاسخ به این پرسش شما من سعی می‌کنم فراتر روم و در محدوده‌ی این بحث به ریشه‌های مشکل یعنی به بحران کار سیاسی («سیاست» و سیاست‌ورزی) و سازماندهی بپردازم.

به دیده‌ی من، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، طی هشت سال گذشته همواره با بحران مواجه بوده است. نه تنها گسترشی در صفوف ما به وجود نیامده است بلکه جدایی‌ها و کناره‌گیری‌ها ادامه یافته‌اند. این وضعیت رکود، ریزش و بحران اما در سایر گروه‌ها و سازمان‌ها نیز (و جالب این جاست نه تنها نزد ایرانیان بلکه در همه جا چون پدیداری جهانی) وجود داشته است و ویژگی تنها جدل نمی‌باشد. نزد ما شاید بتوان گفت که برخی عوامل بحران‌زا، به دلیل ویژگی حرکت پدیداری که ما می‌خواهیم، حداقل از نظر من، در گسست از «سیاست واقعاً موجود» انجام دهیم، شدیدتر عمل کرده‌اند و می‌کنند.

بحران «سیاست» و تشکل و خودسازماندهی سیاسی- اجتماعی در درجه‌ی اول بحرانی جهانی است. امروزه با نقد و رد شکل‌ها و شیوه‌های کهنه‌ی فعالیت سیاسی و سازمانی، کنشگران ضد سیستمی که خواهان تغییر نظم موجود و نه مدیریت بهتر آن هستند، همه جا در پی ابداع شکل‌هایی نوین از مشارکت و خود- سازماندهی در فرایند پراتیک مبارزاتی خود می‌باشند. همه‌ی آن‌ها نیز در برابر چالش‌هایی جدید، سخت و بغرنج، در برابر شکست الگوهای سازماندهی سنتی و فقدان الگوهای جدید جایگزینی قرار دارند. آن‌ها باید، بدون سرمشق، به تقریب از سر و از نو بی‌اندیشند، اختراع، ابداع و آزمون کنند. اشکال تاریخی و سنتی سازماندهی‌های شناخته شده که در سده‌ی نوزده و بیست در نمونه‌های حزب، جبهه... به صورتی نهادین برای رهبری و متحد کردن مردمان، برای تصرف قدرت سیاسی و دولت و حفظ آن‌ها عمل می‌کردند و همچنان نیز عمل می‌کنند، امروزه در رکود و بحرانی سخت فرو رفته‌اند. مردمی را جلب و متشکل نمی‌کنند. در بهترین حالت تبدیل به نهادهایی حکومتی، حزب- دولت Part-Etat، برای مدیریت نظم موجود و استمرار «این‌همانی» می‌شوند.

افزون بر این‌ها، بحران جدل ریشه در شرایط ویژه‌ی «فعالیت سیاسی» در تبعید دارد. این بحران خصلتی structurel (ساختاری) و نه conjoncturel (موقعیتی) دارد. موقعیتی نیست چون وابسته به شرایطی ویژه، موقت و گذرا نبوده بلکه بنیادین، مقاوم و پایدار است. اما ساختاری است چون نابسامانی‌ها و ناتوانایی‌های سیاسی در خارج از کشور - که همواره و پیوسته بحران‌زا می‌باشند- از واقعیتی عینی و جامعه شناسیک بر می‌خیزند که چیرگی بر آن‌ها تنها از طریق اراده و عمل کنشگران سیاسی، آن‌هم در خارج از متن جامعه و مبارزات اجتماعی در داخل، میسر نیست. بحران کلان فعالیت سیاسی در خارج از کشور را من، در عنوان‌هایش، در این بحث کوتاه، در سه عامل ریشه‌یابی می‌کنم.

یکم، در فرسودگی فعالان سیاسی در خارج کشور و فقدان نوسازی و نوزایش در جهان خُرد آنان. دوم، در جدایی دوگانه ذهنیت سیاسی و هستی اجتماعی این فعالان از متن واقعی و عینی مبارزات سیاسی-اجتماعی در درون جامعه که حاصل زندگی طولانی آنها در تبعید است. سرانجام سوم و از همه مهم‌تر، در محدودیت‌های عینی و مجازی بودن پدیدارهای سیاسی در خارج از کشور. این آخری به این معناست که «سیاست» و «فعالیت سیاسی» در تبعید، در بیشتر برنامه‌ها، شعارها، مفهوم‌ها، گفتارها و شکل‌های سازماندهی و تشکیلاتی، بیش و کم غیر حقیقی، صوری (فرمال) و بی ریشه و پایه هستند. از این روست که بسیاری از به اصطلاح «فعالیت‌های سیاسی» در خارج از کشور، ناپایدار، نمایشی، فرصت‌طلبانه و تهی از اصولیت بر مبنای جاه‌طلبی‌های فردی و فرقه‌ای (اگر نگوییم قبیله‌ای) می‌باشند. تنها با آگاهی به محدودیت‌های عینی و دریافت مجازی بودن بسیاری از پدیدارهای سیاسی خارج کشور است که می‌توان امر «مقاومت» یا «مبارزه» در تبعید را در همزیستی با بحرانی پایدار، با پذیرش ناتوانایی‌ها و ظرفیت‌های محدود «فعالیت سیاسی» در خارج از متن اجتماعی، به پیش راند.

بحران جدل اما به منزله‌ی بخشی تفکیک ناپذیر از بحران کلان و عمومی سیاسی در خارج از کشور با شاخصهایی که در بالا بر شمردیم، دارای ویژگی‌ای است که بحران نزد ما را تشدد می‌بخشد. این ویژگی عبارت از این است که جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک حرکتی سیاسی - جنبشی *parti-mouvement* متمایز از حرکت‌های حزبی-دولتی *parti-etat* است. به این معنا که جدل نه «حزب» و «جبهه» است، نه انجمنی فرهنگی یا حقوق بشری و نه شبکه‌ای از محفل‌ها، بلکه می‌خواهد جنبشی رادیکال و سیاسی، دموکراتیک و سراسری، متشکل از افراد حقیقی صرف نظر از تعلقات باوری، سازمانی یا غیرسازمانی‌شان باشد. این همه اما در راستای مداخله‌گری و مبارزه‌ای اپوزیسیونی چون آلترناتیوی سیاسی- نظری و نه برای تصرف قدرت سیاسی و دولت چون آلترناتیوی سیاسی- ارگانیکی. اما حرکت جنبشی، در سرشت خود، مسائل حل نشده، ناروشنی‌ها، معماها و بغرنج‌هایی دارد که از خصلت بدیع و متمایز آن نسبت به شکل‌های آشنا و سنتی کار سیاسی و اجتماعی بر می‌خیزند. از این رو نیز، چون پدیداری نو، ناشناخته و بی‌سابقه است. حرکت جنبشی در خود بحران‌زاست چون می‌خواهد مضمون‌ها و شکل‌های جدیدی را در گستره سیاست، در گستره مداخله‌گری سیاسی و سازماندهی، در گسست از شکل‌های کهنه کار سیاسی و سازماندهی سنتی، به وجود آورد. شکل‌هایی که تا کنون وجود نداشته‌اند و یا اگر وجود داشته‌اند چندان

دوام نیاورده‌اند. شکل‌های نوینی که امکان‌پذیری‌شان نامسلم و در حد شرط‌بندی است.

با این همه اما، به باور من، حرکت‌هایی از نوع جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران، با وجود همه بحران‌ها، موانع و مشکلات در شکل‌گیری بقا و رشدش، می‌تواند با پایداری بر اصول و ارزش‌های بنیادینی چون سه اصل اساسی جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین، با خواست براندازی نظام جمهوری اسلامی توسط جنبش مردم ایران، با تاکید بر عمده بودن نقش جنبش‌های اجتماعی در داخل کشور برای ایجاد دگرگونی‌های ساختاری، با پشتیبانی از اشکال مختلف مبارزاتی، از اعتراض و اعتصاب تا قیام و انقلاب، با پیگیری بر شکل جنبشی-موکراتیک و غیر قدرت‌طلبانه سازمان‌یابی در تمایز با شکل‌های حزبی-بوروکراتیک و قدرت‌طلبانه... ترجمان گونه‌ای جمهوری‌خواهی رادیکال در اپوزیسیون ایران باشد.

اهمیت پایداری و استمرار حرکتی از این سنخ، اهمیت حضور فعال یک روند جمهوری‌خواهی رادیکال از نوع جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک در اپوزیسیون ایران، روندی هر چند کوچک و در اقلیت، اهمیت حضور فعال حرکتی که تمامیت رژیم اسلامی را نفی می‌کند و خواهان برچیدن آن باشد... در این است که امروزه بخش‌های بزرگی از جمهوری‌خواهان ایران یا در فکر اتحادهای رسوا کننده با هواداران نظام پادشاهی به نام «وفاق ملی» هستند، یا مشوق دخالت قدرت‌های بزرگ جهانی در ایران به نام «سیاست‌ورزی» می‌باشند و یا در دنباله‌روی از اصلاح‌طلبان داخل کشور پاسدار بقای سیستم می‌گردند.

اخبار روز: مناسبات شما با سایر نیروهای اپوزیسیون در چه وضعی است؟

شیدان وثیق: باید بپذیریم که پروژه‌ی بنیادین جدل یعنی طرح ایجاد اتحادی فراگیر متشکل از دین باوران لائیک، ملی‌گرایان دموکرات و چپ‌های غیر توتالیترا (این فرمول‌بندی جریان سوم از من است)، در عمل با نا کامی رو به رو شده است. پرسش اصلی این است که آیا در شرایط تاریخی کنونی ایران و جهان، امکان ایجاد اتحادهای فراگیر به طور کلی بین جمهوری‌خواهان و به طور مشخص در شرایط ایران بین سه نحله‌ی نامبرده وجود دارد؟ آیا این سه جریان در وضعیتی از لحاظ سیاسی و نظری قرار دارند که بتوانند با هم متحد شوند؟ پاسخ به این پرسش‌ها از دیدی من منفی است.

اما در زمینه‌ی مناسبات با نیروهای اپوزیسیون، طرح پیشنهادی بیانیه‌ی سیاسی جدل به پنجمین گردهم‌آیی که مورد توافق من می‌باشد، در ترسیمی کلان، این نیروها را از رویکرد راه‌کارهای متفاوت سیاسی‌شان برای خروج از شرایط فعلی ایران به سه دسته بر مبنای سه گونه «پروژه‌ی گذار» متفاوت تقسیم کرده است.

یکی، پروژه «اصلاح دینی» رژیم است. این طرح که از سوی اصلاح‌طلبان مذهبی در ایران و خارج مطرح می‌شود در اساس می‌خواهد خصلت دینی نظام و قانون اساسی اسلامی آن را با اصلاحاتی جانبی حفظ کند. این طرح با نیروهای لائیک وارد ائتلاف یا اتحاد و یا حتی هم‌سویی نمی‌شود. این طرح به طور عمده می‌خواهد در چهارچوب نیروهای مذهبی (چه در اپوزیسیون رژیم و چه در درون آن) مبارزات خود را در جهت تغییراتی تدریجی با حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران سازمان دهد.

دومی، طرح «وفاق ملی» است که هوادارانی در درون اپوزیسیون به ویژه در خارج از کشور دارد، از جناح‌هایی در میان جمهوری‌خواهان، چپ و هواداران سلطنت و مشروطه تا برخی شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی. طرفداران این طرح، برای ایجاد اتحادی که از اپوزیسیون رژیم تا بخش‌هایی از حاکمیت را در برگیرد، فعالیت‌هایی را به‌ویژه در یک سال اخیر با برگزاری کنفرانس‌ها انجام داده‌اند و می‌دهند. افرادی، هر چند اندک، از هواداران این طرح نیز خواهان قرار گرفتن در زیر چتر حمایتی قدرت‌های بزرگ خارجی از جمله ایالات متحده آمریکا برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی از هر طریقی ولو جنگ و دخالت نظامی می‌باشند.

در مقابل دو طرح فوق اما طرح سومی قرار می‌گیرد که پروژه‌ی جمهوری‌خواهی در جهت برجیدن نظام جمهوری اسلامی و نیل به جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین در ایران است. جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران طرفدار چنین طرح و راه‌کاری می‌باشد. اما در این جا نیز امروزه بیش از پیش ما شاهد آنیم که نمی‌توان تنها به گرد اصول کلی فوق چون جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین و یا شعارهایی چون انتخابات آزاد و از این قبیل... دست به ایجاد اتحاد، بلوک یا هم‌گرایی جمهوری‌خواهی زد. امروزه نمی‌توان به منظور ایجاد هم‌گرایی، اتحاد یا وفاق، از مسایل پسا جمهوری اسلامی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که به راستی و به ناگزیر در جامعه تعارض برانگیزاند، چشم پوشید. امروزه نمی‌توان مسائل مبهم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را به بهانه‌ی دسترسی به هم‌گرایی یا اتحاد، فرصت‌طلبانه کنار گذارد و یا دور زد.

به باور من، جمهوری خواهان ایران امروز در برابر پرسشهایی چون کدام جمهوری؟ کدام دموکراسی؟ کدام جدایی دولت و دین در ایرانِ فردا و کدام راه گذر از جمهوری اسلامی در ایرانِ کنونی، به دو دسته اصلی و ناسازگار تقسیم میشوند. بخشی بزرگ و در اکثریت خواهان اصلاحات در جمهوری اسلامی یعنی در نهایت پاسدار سیستم و قانون اساسی آن و در نتیجه پیرو گونه‌ای حفظ دین‌سالاری است. بخشی دیگر که در اقلیت است و به دیده‌ی من جدل را نیز در بر می‌گیرد، خواهان براندازی نظام در تمامیت‌اش از طریق جنبش‌های اجتماعی در داخل و بنابراین تاسیس نظامی دیگر بر مبنای قانون اساسی دیگر یعنی قانون اساسی جمهوریت و به این وسیله پایان دادن به دین‌سالاری در هر شکل و مضمون آن است.

این ناسازگاری که با واقعیت جهان پر شور و شر ما بیشتر سازگار است به معنای آن نیست که «گونه‌های سیاسی مجتمع، جمع‌های سیاسی جدا از هم، نمی‌توانند در رخ‌دادهایی، در زمان‌هایی و در مکان‌هایی ویژه و معین، بیشتر نابهنگام و اتقاقی، به گرد مسایلی مشخص، مبرم و مشترک، هم‌سو شوند و دست به همکاری یا ائتلاف‌هایی زنند.

اما این ائتلاف‌ها یا اتحادهای سیاسی همواره موقت و گذرا می‌باشند. این‌ها در همین حد نیز تنها می‌توانند برآیند اتحاد بین اقشار و طبقات اجتماعی در حرکت‌های مبارزاتی، اجتماعی، سیاسی و مدنی‌شان باشند و نه بر عکس. این تصور رایج در اپوزیسیون ایران که در خارج از کشور، در خارج از میدان مبارزات سیاسی- اجتماعی و مستقل از جنبش‌های اجتماعی و اتحادهایی که میان خود اقشار و طبقات بر سر موضوعات مشخص سیاسی یا اجتماعی به وجود می‌آیند، می‌توان دست به اتحادهای بزرگ سیاسی بین گروه‌های سیاسی بُریده از میدان واقعی اجتماعی مبارزه زد، افسانه یا پنداری واهی و باطل بیش نیست.

با این وجود اما، راه‌های همکاری و مشارکت گروه‌ها و روندهای سیاسی بر محور پاره‌ای اصل‌ها و راه‌کارها را نباید بسته و منتفی تلقی کرد. رادیکالیسم جمهوری خواهی ما به معنای انزواطلبی، فرقه‌گرایی یا مخالفت با تلاش‌ها در جهت همکاری و هم‌کوشی جمهوری خواهان ایران نیست. امروزه، امکان همکاری‌های محدود یا گسترده به گرد مسایل مشخص مبارزاتی چون دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران فراهم می‌باشند. جمهوری خواهان خارج کشور به راستی می‌توانند بر اساس حداقل اصولی چون جمهوریت، دموکراسی و جدایی دولت و دین برای ایران دست به همکاری‌های گوناگون و گسترده با حفظ چندانگی و چندگانگی خود زنند. این همکاری‌ها می‌توانند اشکالی مختلف به خود

گیرند: از کارزارهای عملی مشترک تا برگزاری گفت‌وگوها و سمینارها برای روشنایی بخشیدن به اختلافات و اشتراکات... در این مسیر، هر گامی هر چند کوچک اما عملی به پیش مفیدتر از صدها برنامه‌ی غیر عملی برای ایجاد اتحادهای ناممکن و موهوم است. جمهوری خواهان لائیک، به سهم کوچک خود، در این راه از هیچ کوششی کوتاهی نمی‌کنند. تا کنون در این راه با جریان‌ها و سازمان‌های جمهوری‌خواه گام‌های مشترکی برداشته‌اند و در آینده نیز بر خواهند داشت.

اخبار روز: جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک با چه سیاستی به استقبال انتخابات خرداد ماه می‌روند؟

شیدان وثیق: همان‌طور که در طرح پیشنهادی بیانیه‌ی سیاسی به گردهم‌آیی پنجم آمده است، در خرداد ماه آینده بار دیگر مضحکه‌ای به نام «انتخابات ریاست جمهوری» برای دوره‌ی یازدهم در ایران برگزار خواهد شد. این بار اما همه‌ی شواهد تا به امروز نشان می‌دهند که جناح‌های رقیب حاکم و سپاه پاسداران و در راس آن‌ها ولی فقیه و شورای نگهبان نقشه‌ی انتخاباتی را طراحی می‌کنند که به هر ترتیب و بهایی تجربه‌ی شوم انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۸ برای آن‌ها تکرار نشود. از این رو این بار با انتخاباتی به مراتب محدودتر به برگزیدگان شورای نگهبان و غیر دموکراتیک‌تر از انتخابات دوره‌های پیشین روبه‌رو خواهیم بود.

تفاوت دیگر این دوره انتخابات با دوره‌ی دهم در نقشی است که اصلاح‌طلبان خارج از حکومت بازی خواهند کرد. اینان هم چون در گذشته بر سر دو راهی شرکت نامشروط یا شرکت مشروط در انتخابات قرار دارند. اما با توجه به سرکوب چهار سال اخیر، در بند بودن تعدادی از فعالان و رهبران‌شان و سخت‌گیری حاکمان، این بار می‌توان پیش‌بینی کرد که امکان شرکت اثرگذار آن‌ها در انتخابات، از جمله شرکت چهره‌ای چون رئیس‌جمهور تدارکات‌چی سابق، بسته می‌باشد. با این حال شرکت بخشی از اصلاح‌طلبان در انتخابات را نمی‌توان منتفی دانست.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران مصمم‌تر از گذشته، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران، از تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری جانبداری می‌کند. اهمیت این تحریم را زمانی بهتر درک می‌کنیم که تقلای مستمر جمهوری اسلامی در کسب مشروعیتی مردمی برای خود در درازای عمر تا کنونی‌اش را دریابیم. مستبدان اسلام‌گرای حاکم بر ایران همواره کوشیده‌اند و می‌کوشند که رای مردم در «انتخابات» مختلف، از جمله در مهمترین آن‌ها یعنی انتخابات ریاست جمهوری را

به حساب «رای داوطلبانه‌ی» مردم به حکومت اسلامی وانمود سازند تا از این طریق بتوانند هم در صحنه‌ی داخلی و هم در عرصه‌ی جهانی قدرت‌نمایی کنند. با دستی باز، در داخل کشور سلطه بر مردم را تشدید و خواست‌های دموکراتیک و آزادی خواهانه‌ی آنان را سرکوب کنند و در خارج از کشور سیاست‌های ماجراجویانه خود را بی‌پروا و به حساب «مشروعیت مردمی» ادامه دهند.

ما بر این باوریم که شرکت در انتخابات فرمایشی دوره یازدهم ریاست جمهوری، به ویژه در شرایطی که این رژیم بیش از هر زمان دیگر هم در میان مردم ایران و هم در جهان منزوی و رسوا شده است، به ادعای مشروعیت مردمی آن یاری خواهد رساند. عدم شرکت گسترده‌ی مردم در انتخابات، بر عکس، نشانه‌ی مخالفت با استبداد و خواست ایرانی آزاد و دموکراتیک بدون جمهوری اسلامی است.

گفتگوی اخبار روز با مهرداد درویش پور پیرامون پنجمین همایش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

اخبار روز: پنجمین همایش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک روزهای ۱۷ تا ۱۹ ماه می در شهر هانور آلمان برگزار می شود. به مناسبت این همایش، اخبار روز گفتگوی با آقای مهرداد درویش پور از همراهان اولیه اعضای شورای هماهنگی این اتحاد داشته است، که در زیر می خوانید. درویش پور چهار دوره عضو شورای هماهنگی اتحاد بوده است

پنجمین همایش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک روزهای ۱۷، ۱۸ و ۱۹ ماه می در شهر هانور برگزار می شود. شعار اساسی این همایش چیست و قرار است به چه مسایلی رسیدگی کند؟

از روز نخست شکل گیری جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، این جریان بر جمهوری، جدایی دین و دولت و استقرار دموکراسی تاکید

داشته است. گردهمایی پنجم اما در مورد مسائل معینی تمرکز خواهد داشت. روز ۱۷ ماه می به دعوت جدل، کنفرانسی کاملاً عمومی و با حضور دیگر نیروهای جمهوری خواه برگزار خواهد شد. در این کنفرانس از جریان های وابسته به نهضت ملی، دین باوران لائیک، چپ های دمکرات و دیگر سازمان هایی که هویت اصلی شان جمهوری خواهی است و همچنین پاره ای از نیروهای اتنیکی کرد و شخصیت های مستقل روشنفکر و فعالان جنبش زنان دعوت به سخنرانی و شرکت در یکی از دو میز گرد شده است که ترکیب شرکت کنندگان در هر یک با دیگری متفاوت است. میز گرد نخست درباره تحولات سیاسی آینده، انتخابات ریاست جمهوری و راه کارهای گذار از جمهوری اسلامی خواهد بود. میز گرد دوم به مسئله همگرایی جمهوری خواهان و بررسی زمینه ها و موانع نزدیکی گروه های گوناگون جمهوری خواه به یکدیگر - که طرفدار جدایی دین و دولت و باورمند به حقوق بشر و دمکراسی اند - اختصاص خواهد داشت.

در روز دوم و سوم در تاریخ ۱۸ و ۱۹ ماه می، گردهمایی سراسری پنجم "جدل" برگزار خواهد شد. برای این دو روز نیز پیشنهاد شده است کارنامه جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران، سند پیشنهادی برای بهبود ساختار، منشور پیشنهادی برای به روز کردن دیدگاه های پایه ای "جدل"، بیانیه سیاسی در باره تحولات کنونی و طرح همگرایی و همکاری فشرده تر با دیگر جریان های جمهوری خواه در دستور کار قرار گیرد. همچنین پیشنهاداتی برای تاکید بیشتر بر عدالت اجتماعی و محیط زیست در منشور پیشنهادی برای به روز کردن مواضع پایه ای نیز مطرح شده است که می توان آنرا در سایت ندای آزادی - سایت رسمی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران - مطالعه کرد.

بهره چشم انداز سیاسی تحولات در ایران و تلاش برای نزدیک کردن فعالیت های نیروهای جمهوری خواه از جمله موضوعات جدی است که در این برنامه ۳ روزه به آن پرداخته خواهد شد. در زمینه همکاری و نزدیکی با دیگر نیروهای جمهوری خواه برای سازمان دادن کنفرانس های بزرگ جمهوری خواهی تا کنون تلاش های معین و تماس های فشرده ای، که "جدل" خود یکی از مبتکران طرح و پیشبرد آن بوده است، نیز صورت گرفته است. در این زمینه طرحی از سوی گروه ارتباطات "جدل" برای گردهمایی ارائه شده است که در سایت ندای آزادی انتشار یافته است.

آخرین وضعیت جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک را چطور می توان ارزیابی کرد، چشم انداز امیدوار کننده است؟

باید دید گردهمایی چه داوری در این زمینه ارائه خواهد کرد. گرچه به عنوان یکی از اعضای شورای هماهنگی "جدل" از روز نخست تا کنون آن را همراهی کرده ام، اما در این جا تنها می توانم برداشت های شخصی خود را بازگو کنم. به گمان من جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک در این دوره با دستاوردها و چالش های مهمی، که ضرورتاً همه آنها تازه نیستند، روبرو بوده است.

اگر بخواهم از نقطه قدرت آن آغاز کنیم، جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک جریانی است بسیار شفاف که هرگز نه دنباله روی هیچ جناحی از حکومت بوده است؛ نه با طرفداران حمله نظامی به ایران همراهی کرده است؛ نه به نام دمکراسی در پی اتحاد با نیروهای طرفدار نظام سلطنتی که کارنامه اشان نقص دمکراسی است برآمده است؛ و نه با کسانی که به بدیل سازی در خارج از کشور مشغولند، همراهی کرده است. همچنین همزمان که علیه تبعیض اتنیکی موضع فعالی داشته است - و روابط خوبی نیز با پاره ای از نیروهای اتنیکی های تحت ستم ایران دارد - بر استفلال و وحدت ایران تاکید ورزیده است. علاوه بر آن با آن که جدل قیام علیه جباریت را حق مردم می داند، خواستار تحول مسالمت آمیز در ایران است.

همین ویژه گی ها سمپاتی و اعتماد زایی معینی نسبت به این جریان از سوی بسیاری از روشنفکران ایرانی و نیروهای سیاسی از خانواده های گوناگون ملی، دین باور لائیک و چپ های دمکرات و گروه های اتنیکی ایجاد کرده است. به گمان من شفافیت سیاسی، مستقل بودن و سلامت سیاسی و مخالفت آن با نظام جمهوری اسلامی از نقطه قدرت های این جریان است. در زمینه خواست جدایی دین و دولت که آمال میلیونها ایرانی است نیز با تاکیدش بر لائیسیتِه صراحت بیشتری از خود نشان داده است. به لحاظ ساختاری نیز بافت نسبتاً افقی تر و غیر هیرارشیکی را دارد و کمتر به دیگر نیروهای کلاسیک سیاسی شباهت دارد. بهرو به عنوان یک جریان جمهوری خواه رادیکال توانسته است موجودیت خود را در نزدیک به یک دهه که از شکل گیری اولیه آن تا به امروز می گذرد حفظ کند و در آینده نیز به رغم هر تحولی در آن، ایده های اساسی و موضوعیت خود را حفظ خواهد کرد. اما این که تا چه حد این جریان می تواند قدرت اثر گذاری کلان را در سیاست داشته باشد و آیا اصلاً در فکر سیاست گذاری کلان هست یا نه، مهمترین چالشی است که به گمان من این جریان با آن روبرو است. امری که می تواند در تعیین نقش آتی "جدل" تاثیر بسزایی داشته باشد.

این تنها چالش درونی شماست؟

اینجا مایلم به یکی دیگر از چالش‌های پیش‌رو پردازم. جریان‌هایی که به جناح‌هایی از قدرت‌های سیاسی حاکم و یا قدرت‌های بیگانه تکیه دارند، می‌توانند امید و اشتیاق و تحرک سیاسی بالاتری در مبارزه سیاسی از خود بروز دهند. آنها می‌پندارند با تکیه بر قدرت‌های درون‌نظام و یا قدرت‌های خارجی، امکان اثرگذاری در سیاست ایران را به نحوی خواهند داشت. اما جریانی که نه به قدرت حاکم و نه به قدرت‌های خارجی نظر ندارد، تنها با تکیه بر جنبش‌های اجتماعی نظیر جنبش کارگری، زنان، دانشجویان و روشنفکران و به یاری همکاری گسترده تر با دیگر نیروهای پیشرو در اپوزیسیون می‌تواند نقش موثری ایفا کند. در این زمینه اما با دو چالش جدی روبرو هستیم:

نخست آن که جنبش‌های اجتماعی در ایران امروز خیلی فعال نیستند تا بتوانند فضایی شور انگیز و تحرک سیاسی بالایی را بیافرینند. دیگر آن که "جدل" برغم نفوذش در پاره‌ای از روشنفکران ایرانی تا کنون نشانی از تاثیرگذاری قابل توجه بر جنبش‌های اجتماعی داخل کشور از خود نشان نداده است. شاید گفته شود این وضعیت کل اپوزیسیون خارج از کشور است. بر فرض درستی این ادعا، آن موقع باید پرسید نیروهایی که نه به قدرت‌های سیاسی حاکم و نه به قدرت‌های خارجی تکیه دارند و نه نقش موثری در جنبش‌های اجتماعی داخل کشور دارند، با کدام چشم انداز می‌توانند به آینده امیدوار باشند؟ در چنین شرایطی یا باید در انتظار برآمد جنبش‌های اجتماعی نشست؛ یا باید بیشتر به ایفای نقش مروجان ایده‌های جمهوری، دمکراسی و لائیسیته و دفاع از حقوق بشر بسنده کرد؛ یا برای اثرگذاری بیشتر در پی همگرایی و نزدیکی با دیگر نیروهای سیاسی مستقل جمهوری خواه و لاییک و سکولار ایرانی و همکاری فشرده تر با نهادهای مستقل فرهنگی و اجتماعی حقوق بشری برآمد. پرسش این جا است که آیا جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران می‌خواهند تنها به عنوان یک نیروی روشنفکری به ترویج ایده‌های جمهوری، دمکراسی و لائیسیته و پاره‌ای از مواضع سیاسی بسنده کنند؟ یا آن که می‌خواهد به عنوان یک نیروی سیاسی فعال در همگرایی با دیگر جریان‌های جمهوری خواه، بلوک قدرتمندی از جمهوری خواهان را سازمان دهند؟ این یکی از چالش‌هایی مهمی است که این جریان با آن روبرو است.

اگر هدف پیشبرد پروژه اولی است به گمان من جدل چندان در حوزه پیوند با جنبش‌های اجتماعی فعال نبوده است. اگر هم برای خود بیشتر نقش ترویج ایده‌های جمهوری، دمکراسی و لائیسیته را قائل است، در آن زمینه نیز به اندازه کافی فعال و تاثیرگذار نبوده است. البته من شخصا تصمیم گرفته‌ام از این به بعد، بیشتر در حوزه

های نظری ادای سهم کنم. اما اگر پروژه همکاری با دیگران مد نظر است، باید پرسید آیا گام های درخور در این راستا برداشته شده است و جدل از آمادگی کافی برای همگرایی با دیگر جمهوری خواهان برخوردار است و یا نه؟

در "جدل" برخی بر "جمهوری خواهی رادیکال" و ضرورت تمایز آن از دیگر نیروهای جمهوری خواه نظر دارند و برخی - که من نیز از زمره آنان هستم- اساساً نزدیکی با دیگر نیروهای جمهوری خواه را گام سیاسی مهمی می دانند که به رغم همه تفاوت ها باید در راستای آن کوشید تا بتوان در صحنه سیاست ایران به عنوان نیرویی موثر حضور یافت. بنابراین گرایش در آن از ایده اتحاد عمل، همگرایی و حتی تشکیل بلوک نیرومند جمهوری خواهی دفاع می کند. به گمان من تأکیدات بیش از حد بر اختلافات بین جریان های جمهوری خواه طرفدار جدایی دین و دولت و نفی یکدیگر به جای جستجوی حوزه های اشتراک (و مبارزه نظری سالم در موارد اختلاف)، حیات جریان های جمهوری خواه و از جمله "جدل" را نیز فرقه ای، محفلی و منفعل خواهد کرد. در میان اپوزیسیون ایران، سکتاریسم، ذهنی گری و حیات فرقه ای از جدی ترین مشکلات آن است که زندگی در تبعید نیز به آن دامن زده است. به گمان من "جدل" نیز از این ایرادها رها نیست و آینده آن از جمله به انتخابی که پیش روی خود قرار می دهد بستگی دارد. برای من و بسیاری دیگر تلاش ۳ جریان چپ دمکرات برای وحدت برغم تفاوت نظرهای چشمگیرشان با یکدیگر، امر بسیار مثبتی است. اما برآستی قابل فهم نیست چگونه ممکن است کسانی از آن پروسه وحدت دفاع کنند اما امکان نزدیکی جریان های که هویت شان جمهوری خواهی است و تفاوت هایشان با یکدیگر در مقایسه با این ۳ سازمان چندان هم بیشتر نیست، را میسر ندانند. ایده همگرایی و یا اتحاد عمل جمهوری خواهان می تواند به نیروهای جمهوری خواه و از جمله جدل تحرک درخوری بخشد و آنان را از حیات محفلی و منفعل خود خارج سازد. بهرو این نگرانی وجود دارد که نوعی خوگرفتن به حیات محفلی، انزواجویانه، نارسسیم سیاسی و رقابت های تنگ نظرانه، مانع از خانه تکانی سیاسی در میان کل جامعه جمهوری خواه گردد و در همچنان بر پاشنه پراکندگی گذشته بچرخد.

با این همه بازهم تأکید می کنم خوش نامی جدل و شفافیتش در دفاع از جمهوریت، جدایی دین و دولت، دمکراسی و حقوق بشر و ضد تبعیض بودن آن و خواستش مبنی بر عبور از جمهوری اسلامی ایران، پتانسیل ارزشمند و موقعیت بالقوه ای برای این جریان ایجاد کرده است که می تواند لولای نزدیکی و همگرایی نیروهای جمهوری خواه گوناگونی شود. اگر جدل این موقعیت را دریابد و با نگرشی کلان در سیاست و روحیه

وحدت طلبی عمل کند، قدرت اثر گذاری خود را افزایش خواهد داد. در غیر این صورت موقعیتی حاشیه ای خواهد یافت.

علیرغم همه ی این ها، در خود جمهوری خواهان دموکرات و لائیک جدایی های زیادی صورت گرفته، آیا روند جدایی ها ادامه دارد یا نشانه هایی از گسترش صفوف به چشم می خورد؟ مناسبات شما با سایر نیروهای اپوزیسیون در چه وضعی است؟

از آغاز، جمهوری خواهان دمکرات و لائیک بلندیروازی گردهم آوردن سه خانواده سیاسی چپ های دمکرات، دین باوران لائیک و نیروهای ملی را در درون تشکل خود داشتند. بهرو جمع بیش از ۳۰۰ نفر در گردهمایی نخستین آن که از هر سه طیف در آن حضور داشتند نشانگر آن بود که این بلندیروازی خیلی هم جاه طلبانه نبوده است. با این همه این جریان نتوانست خود را فراگیر و اجتماعی کند. کناره گیری پاره ای از نیروهای چپ رادیکال از آن که هم در گردهمایی نخست و هم در گردهمایی دوم رخ داد و کم رنگ شدن حضور برخی از کادرهای سیاسی وابسته به خانواده های دیگر در گردهمایی های بعدی، حوزه اثر گذاری این جریان را محدود تر کرد. در این اواخر هم برخی ترجیح دادند نیروی خود را معطوف به پروژه های سیاسی دیگری کنند.

البته همزمان تعدادی نیروی تازه نفس هم درخواست پیوستن به این جریان را اعلام کرده اند که می تواند مایه دلگرمی باشد. با این همه می توان به یقین گفت از گردهمایی دوم به این سو روشن شده است که جدل - به رغم تمام تلاطمات در درون آن و در فضای سیاسی جامعه، بیش از پیش سیمای یک جریان جمهوری خواه چپ را به خود گرفته است که آمده است که بماند و خواهد ماند. هر چند من آرزومندم تفکرات اجتماعی و فراگیرتر، معتدل تر و مسالمت جوتر در آن نقش برجسته تری بیابند.

در پاسخ به پرسش شما در باره مناسبات با دیگران، باید بگویم "جدل" با نیروهای سیاسی جمهوری خواه چپ دمکرات، ملی، دین باور لائیک و گروه های اتنیکی مناسبات خوبی دارد. اما با نیروهای طرفدار نظام های دینی (از هر نوع آن)، مسلکی و موروثی میانه ای ندارد. با این همه این بحث به تازگی توسط پاره ای مطرح شده است که آیا نباید بین روشنفکران لائیک و برخی از "روشنفکران نو اندیش دینی" که مدعی جدایی دین و دولتند دیالوگ سالمی در باره فرایند جدایی دین و دولت در ایران سازمان یابد؟ بهرو از برخی از افراد وابسته به این طیف نیز دعوت شده است که در میز گرد تحولات سیاسی در روز اول کنفرانس شرکت کنند. این دیگر بستگی به آنها دارد که از این دعوت استقبال

می کنند یا نه؟ بهرو "جدل" روابط خود را بیشتر با دیگر گروه های جمهوری خواه طرفدار جدایی دین و دولت و دمکراسی نزدیک تر کرده است و تا کنون تمایلی به رابطه با دیگر نیروهای سیاسی دیگر از خود نشان نداده است.

جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک با چه سیاستی به استقبال انتخابات خرداد ماه می رود؟

جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران، اساساً جریانی تحول طلب و ساختار شکن است و به جای آن که به اصلاح جمهوری اسلامی بیا نندیشد، به هموار کردن زمینه های گذار از آن می اندیشد. از اینرو این جریان به طور عمومی نظر خوشی نسبت به انتخابات در جمهوری اسلامی که سراپا تبعیض آمیز و غیر دمکراتیک است ندارد و هرگز در آن شرکت نکرده است. "جدل" همان طور که در سند سیاسی نخستین خود آورده است خواستار تشکیل مجلس موسسان و انتخابات آزاد است. در شرایط کنونی و در برخورد به انتخابات پیش رو نیز - همان طور که در بیانیه پیشنهادی گروه سیاسی برای گردهمایی ارائه شده - بر تحریم انتخابات کنونی تاکید شده است و فکر می کنم گردهمایی به کمتر از تحریم انتخابات نیا نندیشد. از سوی دیگر تلاش برای برانگیختن جنبش های اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی دمکراتیک و ترویج گفتمان های دمکراتیک از زمره باورهای "جدل" است که برای آن می کوشد. البته به گمان من باید در برابر هر انتخاباتی تحلیل مشخص ارائه داد و سیاست های خود را متناسب با آن تنظیم کرد. در شرایط کنونی به نظر من خوب است "جدل" در همراهی با دیگر جریان های جمهوری خواه، کمپینی را در دفاع از خواست انتخابات آزاد بر طبق موازین بین المللی و برای آزادی زندانیان سیاسی به راه بیاندازد. در این مورد البته در جدل نگاه های گوناگونی وجود دارد و باید دید گردهمایی چه سیاستی را اتخاذ می کند.

اگر کسی بخواهد با جمهوری خواهان دمکرات و لائیک تماس بگیرد و از نظرات آن مطلع شود از چه طریق می تواند اقدام کند؟

ساده ترین راه رجوع به سایت ندای آزادی و آدرس شورای هماهنگی آن است که در زیر مشاهده می کنید.

www.jjdli.com

Chora.jjdli@gmail.com